

■ **حسن ابراهیم‌زاده**

در تیرماهی که بر ما گذشت، مایک پمیثو وزیر خارجه دولت دونالد ترامپ، در گر دهمایی سالانه سازمان منافقین شرکت و هم‌بیمانی خویش با این نخله ترور بیستی را، عملاً آشکار ساخت. هر چند شرکت عناصر تاریخ گذشته غربی – عربی در شوهای تبلیغاتی این گروه تازه‌ی ندارد اما نباید از تحلیل و ارزیابی این گونه اقدامات، غافل ماند. مقال ذیل آمده تلاش دارد تا به ایجاد تاریخی این رویداد بر معنا بپردازد. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■■■

■ **نمادی دیگر از پیوندهای امریکا و عربستان سعودی با گروهک تروریستی منافقین**

مایک پمیثو وزیر امور خارجه سابق امریکا در تیرماه ۱۴۰۰، در گردهمایی عناصر سازمان منافقین شرکت کرد. او که با نقض آشکار همه قوانین بین‌المللی، یکی از عوامل اصلی طراحی و ترور شهیدشهادت‌حاج‌قاسم سلیمانی و شهیدابومهدی‌المهندس بود، در کنار کسانی نشست، که دست آنان به خون بیش از ۱۷ هزار شهروند ایرانی، از جمله منتخبین مردم در قوای مجریه و مقننه آلوده بود. همراهی او با این گروهک تروریستی، در حالی است که شرکت وزرای خارجه سابق و دیپلمات‌ها و حتی افسران امنیتی رژیم سعودی، همواره یک پای دیگر این نشست‌هاست. رژیمی که در ترور مخالفان خود، از همه امکانات بهره می‌گیرد و سفارت‌خانه‌های او در سراسر جهان، هنر شگفت‌انگیزی از خود نشان می‌دهند و گاهی حتی شهروندان مخالف و نام‌آور خود – چون جمال قاشقچی – را با گذرنامه‌های‌شان چنان باطل می‌کنند، که حتی خبره‌ترین کارشناسان هم، از کشف DNA آنان عاجز می‌مانند! شرکت دولتمردان این کشور گاوچران و این دولتمردان گاو شیرده – که یکی از آنان خالق گرگ داعش و دیگری پرورش‌دهنده آن به شمار می‌روند – را در نشست‌های سالانه گروهک منافقین، باید در استاد داعش بودن سران سازمان منافقین جست‌وجو کرد. سازمانی که به لطف حمایت‌های بی‌دریغ نظام سلطه، تحقیق و تفحص درباره جنایت آنان، می‌رود تا چون تحقیق و تفحص از هولو کاست جرم محسوب شود و رسانه‌های به اصطلاح مدافع حقوق بشر غربی، به سمتی حرکت می‌کنند که از این عناصر بالفطره آدمکش، چهره‌ای انسانی ترسیم و دائم وبه بهانه‌های مختلف، آنان را مطرح کنند. کار این تحریف آشکار تاریخی به آنجا کشیده است، که امروز ینگاه‌های خبرپراکنسی مزدوری چون بی‌بی‌سی، من و تو، ایران اینترنشنل و… که هرگز حاضر به مصاحبه با پدر و مادر یک داعشی درباره مجاهدت‌های فرزنداناش نیستند و نشانی از قبر کشته‌های این فرقه نمی‌دهند، مصاحبه با خانواده یک عنصر آدمکش منافق و اشک ریختن برای شرایط قبرهای آنان را، برای خود افتخار می‌دانند!

■ **رابطه پرورندگان داعش عربی با داعشیان فارسی‌پرشی که امروز ذهن بسیاری – به‌ویژه نسل جوان کنونی – را درگیر کرده، این است که مگر غربی‌ها و سعودی‌ها و رژیم صهیونیستی چه قرابت قومی و خونی‌ای با عناصر گروهکی دارند و چگونه روح لشکریان ایتلا و چنگیز و هیتلر در آنها دمیده شده و در آدمکشی تا آنجا پیش رفته‌اند، که جنایت‌های گروه‌های قبیل از خود، از جمله خمرهای سرخ در جنوب شرقی آسیا را از یادها برده‌اند و حتی داعش هم با همه جنایتاش در شیوه آدمکشی، شاگرد آنها محسوب می‌شود؟ پاسخ این پرسش، خوی وحشی و حیوانی‌ترشان در آنان همراه با ادبیاتی فریبنده‌تر است، که در فرهنگ مردم ایران زمین عنوان «منافق» به خود گرفته است، نفاقی که امروز آشکارتر از همیشه، خود را در چهره غرب به ظاهر متمدن نشان می‌دهد. در همین تیرماه ۱۴۰۰ – که پمیثو در اجلاس سازمان منافقین شرکت کرد– هزاران نفر در ورزشگاه ومبلی لندن و میلیون‌ها نفر در جهان، نظاره گر بازی پانانی جام ملت‌های اروپا بین انگلیس و ایتالیا بودند. در خلال این بازی‌ها، شعارهای نژادپرستانه انگلوساکسون‌ها، بار دیگر پرده از چهره نفاق غرب برداشت و اتوکشیده‌های به ظاهر متمدن مدافع حقوق بشر، خوی وحشی خود در دوران برده‌داری را نمایان کردند! دورانی که آنها میلیون‌ها برده را، در مسیر آفریقا به اروپا و امریکا و در محل نگهداری حیوانات در کشتی‌ها، زندانی می‌کردند و اجساد هزاران تن از آنان را در این مسیر، به دریا ریختند و زنده‌ها را با زدن لگام بر دهان و در مزارع کشت پنبه و ذرت به کار گرفتند، تا مبادا در هنگام کار، به اندازه تک دستی ذرت یا گیاه بچورند!**

پمیثو یازمده پدران برده‌داری است که به نام مسیحیت در مدارس تعلیم‌نم‌دن، هزاران کودک بی‌گناه را زنده به گور کردند و امروز با کشف اجساد آنان در کانادا – که حتی حاضر به عذرخواهی هم نیست – حقوق بشر را به رخ کشوری چون ایران می‌کشد.به‌راستی امروز اگر پمیثو که فرزند همان پدران است که زنده زنده پوست از سر سرخپوستان کُندند، تا به کیفیت متاع مو و پوست‌شان آسیبی نرسد، در کنار منافقین ننشیند که زنده زنده پوست از سر پاسداران کمیته‌ها کُندند و زنده به گورشان کردند، چه کسی باید بنشیند؟ به‌راستی اگر دولتمردان سعودی که مخالفی چون قاشقچی را از روی زمین محو کردند، همنشین منافقینی نشوند که زنان و کودکان را در انفجارهای اتوبوس، در شعله‌های آتش محو کردند، به چه کسانی دمخور شوند؟ نفاق، دورویی و تضاد در قول و عمل، وجه مشترک این قوم است.

■ **امام خمینی، کنارزنده نفاق از چهره منافقین و حامیان آنان**

حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی از همان دوران نهضت، چهره نفاق سازمان را چون چهره غرب و شرق شناخت و از دیدار حسین روحانی و تراب‌حق‌شناس با خود در نجف اشرف و گفته‌های عناصر وابسته به این سازمان در آن ملاقات‌ها، تحت عنوان فریب یاد کرد اما موقتاً به آنان بی‌اعتنایی فرمود و در آن مقطع، کاری به آنان نداشت! حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و موضع‌گیری این سازمان در برابر فراندوم برقراری نظام، باز مسعود رجوی و موسی خیابانی را در شهر قم به حضور پذیرفت ولی هرگز از نفاق و فریب آنان هم غفلت نکرد! با آغاز تحرات این گروهک بر ضد نظام و جنایت‌کنان از



مایک پمیثو وزیر خارجه سابق امریکا

به بهانه حضور برمعنای مایک پمیثو در گردهمایی سازمان منافقین

# رونمایی از ابعاد پیدا و پنهان

# یک پیوند شوم!

سال ۵۷ تا سال ۶۰، امام خمینی باز آنها را تحمل کرد اما اذعان نمود که اگر یک‌هزارم احتمال دست برداشتن در جنگ و پناهگاه‌های مردم به دشمن هم، ابا نکرد آنان می‌رفت! امام خمینی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ به صراحت در مقابل بیانیه سازمان سابق برای رفع اختلافات خود با نظام فرمود: «البته میل داریم که همه گروه‌ها و همه احزاب به اسلام برگردند و راه مستقیم اسلام را در پیش بگیرند و همه مسلم بشوند. بر فرض اینکه نشوند، ما با ما و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، به‌طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به‌طور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند، لکن شما بنای این مطلب ندارید و من اگر یک در هزار احتمال می‌دادم که شما دست از آن کارهای که می‌خواهید انجام بدهید، بردارید، حاضر بودم که با شما تفاهم کنم و من پیش‌شما بیایم، لازم هم نبود شما پیش من بیایید…»<sup>(۱)</sup>

رهبر کبیر انقلاب اسلامی پس از درخواست از آنان به بازگشت و دست برداشتن از روحیه تهاجمی خود، به روحیه فریب و خوی تهدید و ارباب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شما معزز و محترم هستید، لکن مادامی که اسلحه در دست شماست و شما در همین نوشته اظهار مظلومیت و اظهار اینکه ما می‌خواهیم کارها درست بشود و تفاهیم بشود، وقتی در همین جا تهدید می‌قیام می‌کنید، ما نمی‌توانیم از شما این‌طور مسائل را قبول کنیم…»<sup>(۲)</sup>

سازمان منافقین هم‌زمان با بیانیه خود و پاسخ و موضع قاطع امام خمینی، سیاست نفاق و فریب خود را با گسترش خانه‌های تیمی و رو آوردن به مخفی‌کاری و مسلح کردن نیروها و افزایش جو تهدید و ارباب ادامه داد، تا جایی که امام خمینی در هجدهم خرداد ۱۳۶۰ ضمن نصیحت دوباره به آنان، فرمود: «اگر کسی با آرایش مخالفت کند، با او سخت عمل خواهیم کرد و این یک وظیفه شرعی است که بر عهده من است…»<sup>(۳)</sup>

■ **تاریخچه شراوت‌های منافقین در دهه ۶۰**
سازمان منافقین از تابستان ۱۳۶۰ به‌بعد، از هیچ جنایت و خیانتی نسبت به اسلام و ایران و مردم بی‌پناه دریغ نکرد! این سازمان قوای سه‌گانه ایران را، به عزا نشاند و محراب‌ها را به خاک و خون کشید و سپس به دامان

غرب منافق و هم‌خوی خود پناه برد و در خیانت تا آنجا پیش رفت، که حتی از دادن نقشه عملیات‌های ایران در جنگ و پناهگاه‌های مردم به دشمن هم، ابا نکرد و سرانجام اوج خیانت و خیانت‌خود را در تابستان ۶۷ در حمله به غرب کشور نشان داد. اما نظام اسلامی تنها

حکم خدا و منطق منطقی سر قوانین جنگی را، درباره افرادی اجرا کرد، که با وجود نبرد هم‌زمان سازمان با نظام و مردم در منطقه اسلام‌آباد غرب، به تهدید به حمله مسلحانه به‌محض خارج شدن از زندان و بیوستن به دوستان خود در خارج از زندان، بافشاری کردند. با احرار هویت برخی فرماندهان و کشته‌شدگان عملیات مرصاد معلوم شد که بسیاری از آنان از توابین سازمان در پلنگ‌ها، به‌ویژه توابین هیئت غرضی بودند، که از سوی شخصی آقای منتظری در سال ۶۵ مورد عفو قرار گرفته و آزاد شده بودند! این عفو در همان زمان

نیز، مورد انتقاد امام خمینی(ره) قرار گرفت. تا جایی که امام در فرایز خود به این هیئت، در تاریخ ۷۵ مهر می‌نویسند: «زادی بی‌رویه چند صد نفر منافق به دستور هیئتی که با رقت قلب و حسن نظرشان واقع شد، امار انفجارها و توره‌ها و زدنی‌ها را بالا برده است. ترجمه اینها که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق (صحیفه امام ج ۲۰ ص ۱۲۷)

■ **تعمیم تاریخی امام خمینی درباره منافقین در تابستان ۶۷**

حالا دیگر فرایز نظام و نگاه تیزبین امام خمینی و حتی به برخی از عناصر زندانی سازمان، که نام برخی از آنان در لیست مسئولان بالای سازمان پس از فتح تهران هم قرار گرفته بود، ماهیت این نخله تروریست محرز شده بود، لکن نظام باز از هر کدام از آنان، که ولو به صورت تاکتیکی از سازمان اعلام انزجار کردند گذشت اما برخی بر موضع خود حتی در سه جلسه بی در بی اصرار کردند و حتی حاضر به توبه تاکتیکی هم نشدند! امام خمینی در تابستان ۱۳۶۷، چتر امنیت را بر سر مردم گستراند و خوارچ نهبروان زمان را، به سزای اعمال‌شان رساند و غده‌های سرطانی‌ای را جراحی کرد، که حاضر به توبه از آدمکشی نشدند! آنان کسانی بودند که بوی انفجار و ترور در مساجد و اتوبوس‌ها و خانه‌های مردم، از آنان به مشام می‌رسید. امام خمینی چند ماه بعد، با دلی آرام و قلبی

۱- صحیفه‌امام، ۱۴ ص، ۳۴۳.
۲- همان، ۳ ص، ۳۴۴.
۳- همان، ص ۶۱۷، ۱۸۰ (خرداد)

## عاریخ

کفت وگرم ۸۸۴۹۸۴۳۷

## تاریخ

■ **سیدروح‌الله امین آبادی**

در تیرماه ۱۳۶۶، قطعنامه ۵۹۸ از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. رژیم بعث عراق بلافاصله این قطعنامه را پذیرفت ولی «جمهوری اسلامی» به دلیل در نظر گرفته نشدن همه خواست‌های به‌حق ایران در این قطعنامه، از قبول آن خودداری کرد. جنگ سفارت‌خانه‌ها میان ایران و فرانسه در تیر و مرداد ۱۳۶۶، از دیگر رخداد‌های مهمی است که در این گزارش به بررسی آن خواهیم پرداخت. شاید بتوان مهم‌ترین رخداد تیرماه ۱۳۶۶ را، کشتار حجاج ایرانی توسط دژخیمان سعودی دانست. رویدادی که باعث بهت و حیرت جهانیان و نفرت گسترده از آل‌سعود در جهان اسلام شد.

■ **صدور قطعنامه ۵۹۸: پذیرش عراق، رد از سوی ایران**
در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶، قطعنامه ۵۹۸ توسط شورای امنیت سازمان ملل در مورد جنگ ایران و عراق به تصویب رسید. این قطعنامه که چند ماه پس از عملیات پیروز کربلای ۵ تدوین و تصویب شد، هشتمین قطعنامه در دوران جنگ تحمیلی بود، اما این قطعنامه یک تفاوت اساسی با قطعنامه‌های پیشین داشت و آن هم این بود که در این قطعنامه، وضعیت حقوقی «جنگ» بین دو کشور

ایران و عراق به رسمیت شناخته شده بود. در قطعنامه ۵۹۸، مقایسه با دیگر قطعنامه‌ها، جزئیات بیشتری در نظر گرفته شده بود و قطعنامه مختصر نبود. قطعنامه‌های پیشین صرفاً دو طرف را دعوت به آرامش می‌کرد اما پرداخت غرامت پرداخته شده بود. قطعنامه

مطمئن، روی دست‌های میلیون‌ها مردم خورده‌از نفاق، به جوار رحمت الهی شتافت و منافقین همانند همیشه تاریخ، به لانه نفاق خزیدند.

■ **خوانشی از خصال تاریخی منافقین، در آیینه حکمی تاریخی که ۳۷سال قبل نگاشته شد!**
همان‌گونه که اشارت رفت، رهبر کبیر انقلاب اسلامی پس از انفارهای فراوان و اتمام حجت برای همگان در برخورد با شورشیان سازمان منافقین در زندان، ضمن اینکه راه توبه و بازگشت به جامعه را برای آنان بازنهاد، طی حکمی به برخی از مسئولان قضایی، دستور برخورد با وفاداران به این نخله جنایتکار، را صادر فرمود. امروزه با آشکار شدن خوی داعش‌گونه این سازمان، آشکار شده است که امام خمینی در ۲۳سال قبل، چه نیک آنان را شناخته و حکم شرع را، بر ایشان تطبیق داده است. بازخوانی این متن تاریخی را، حسن ختام مقال خویش قرار می‌دهیم:

«از آنجا که منافقین خائن، به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناچوآنمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود بافشاری کرده‌وی می‌کنند، محارب و محکوم به اعدام می‌باشند…رحم بر محاربین سادانه‌دینی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا، از اصول تردینا پذیر نظام اسلامی است. امبولورهای خشم و کینه‌انقلابی نسبت به دشمنان اسلام، رضایت‌ناخوآند متعار را جلب نماید.د. آقابانی که تشخیص موضع به‌عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنندو سعی کنند!شاه‌علی الکفزا باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدای باشد.والسلام.»

پی‌نوشت:

۵۹۸، زمانی به تصویب رسید که ایران نسبت به عراق، دست بالا را داشت و در واقع ایران در موضع قدرت و عراق در موضع ضعف بود. البته این موضوع اتفاق تازه‌ای نبود، زیرا سازمان ملل پس از هر حمله موفق نظامی ایران و افزایش پیدا می‌کرد، قطعنامه‌ای را با موضوع دعوت به آرامش و بازگشت به صفا، فوئحاً با تصریحاً صادر می‌کرد. در واقع قطعنامه‌های سازمان ملل زمانی به تصویب می‌رسید که ایران در موضع قدرت عراق در موضع ضعف بود. –ایران در زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸، به‌تازگی عملیات پیروز کربلای ۵ را انجام داده و شبهه‌جزیره فاو، جزایر مجنون جنوبی و شمالی و بخش عمده‌ای از شلمچه را، طی سال‌های ۶۲تا ۶۵ در عملیات‌های خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵، به تصرف خود در آورده بود. ضمن اینکه در مناطق مرزی، آرایش نظامی مناسبی داشت و توانسته بود در خطوط مرزی علیه ایران، با تصرف ارتفاعات و مناطق استراتژیک وضعیت مطلوبی را ایجاد کند.

■ **بمباران شیمیایی سردشت توسط عراق**

رویداد تأسف‌بار دیگر در جنگ ایران و عراق در تیرماه این سال، بمباران شیمیایی سردشت توسط رژیم بعث عراق است. در ۷ تیرماه این سال، نیروی هوایی عراق چهار نقطه تراز دحام شهر سردشت (از توابع استان آذربایجان غربی) را، هدف بمباران شیمیایی قرار داد. در این حمله ۱۳۰ نفر از ساکنان غیرنظامی شهر کشته شدند و ۸هزار نفر نیز، در معرض گازهای سمی قرار گرفتند و مسموم شدند. در ۹ تیرماه همین سال نیز، رئیس مجلس ملی اتریش صراحتاً اعلام کرد عراق آغازگر حمله به ایران بوده است،

## روزنامه جوان | شماره ۶۲۸۲ | جوان

## تاریخ

نظری و گذری بر وقایع سیاسی ایران، در تیر و مرداد ۱۳۶۶

# از صدور قطعنامه ۵۹۸ تا شهادت زائران ایرانی توسط دژخیمان سعودی!

مستله‌ای که در سازمان ملل متحد، به عنوان یک واقعبت تاریخی ثابت شد.

■ **جنگ سفارت‌خانه‌ها میان ایران و فرانسه!**

در ۸ تیرماه ۱۳۶۶، سفارت ایران در پاریس در بی‌اقدامی خصمانه، توسط پلیس فرانسه محاصره شد. این اقدام که در پی اتهام دولت فرانسه به دست داشتن وحید گرچی دیپلمات ایرانی، در یک مورد بمب‌گذاری آن کشور صورت گرفت، سرآغاز بحران موسوم به «جنگ سفارت‌خانه‌ها» بود. در ۱۱ تیرماه همین سال، کاردار سفارت ایران در پاریس گفت: پلیس فرانسه پنج روز است سفارت ایران را در محاصره گرفته، تا بتواند وحید گرچی مترجم سفارت را – که مقامات فرانسه او را در پرورنده بمب‌گذاری‌های سال ۱۳۵۵ آن کشور متهم شناخته‌اند– دستگیر کنند! وی گفت: حتی به خانه وحید حمله و همسرش را نیز بازداشت کرده‌اند! دو روز بعد در ۱۳ تیرماه، روزنامه لیبراسیون نوشت: «عضای سازمان مجاهدین خلق، به بهای جاسوسی برای دولت فرانسه در این کشور باقی مانده‌اند و اتهام دولت علیه وحید گرچی دیپلمات ایرانی مقیم پاریس توسط این سازمان و با همکاری صاحبان صنایع نظامی فرانسه و بعضی از سیاستمداران این کشور، به او زده شده است!» در ۲۰ تیرماه همین سال نیز، محسن امین‌زاده دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، مورد ضرب و شتم نیروهای انتظامی فرانسه قرار گرفت و مجروح و کیف حاوی اسنادش توسط پلیس فرانسه ربوده شد.

در این قطعنامه به موضوع تعیین متجاوز و پرداخت غرامت پرداخته شده بود. قطعنامه



نمای از حمله گارد ویژه عربستان به حجاج ایرانی، در جمعه خونین مکه

جاسوسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، ارتباط با ضدانقلابیون فراری و ایجاد تسهیلات لازم برای ورود و خروج آنان از کشور، شرکت در خروج و قاچاق اشیای عشقه از کشور، به دادسرای انقلاب احضار شد. در نهایت و در پی تشدید بحرانی که به «جنگ سفارت‌خانه‌ها» مشهور شد، در ۲۵ تیر ۱۳۶۶ و به دنبال اقدامات سوء و غیرقانونی دولت فرانسه و ایجاد موانع و تضییقات در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، دولت ایران روابط خود با فرانسه قطع کرد. در سوم مرداد این سال دکتر «علی‌اکبر ولایتی» وزیر امور خارجه وقت کشورمان، اعلام کرد: وحید گرچی مترجم سفارت ایران در پاریس، که تحت تعقیب پلیس فرانسه است، گذرنامه‌ای با مصونیت‌های پیش‌بینی شده در کنوانسیون وین را دارد و تعقیب وی، تخطی از کنوانسیون زنو و نوعی هوچی‌گری است!

■ **پیام برائت از مشرکین و جنایت تاریخی آل‌سعود**

در مرداد ۱۳۶۶، دو رویداد مهم و پیاپی در تاریخ ایران ثبت و ضبط شده‌اند. در نخستین رویداد امام خمینی(ره) به عنوان ولی امر مسلمین جهان، در پیامی تاریخی مسلمانان و به‌ویژه حجاج ایرانی را، به انجام فرضه برائت از مشرکین و اعلام برائت از امریکا و دیگر جهانخوازان دعوت کردند. در رویداد دوم آل‌سعود به نیابت از امریکا، حاجیان ایرانی را که منشغول انجام فرضه برائت از مشرکین بودند، قتل عام کرد و تعداد زیادی از آنان را به شهادت رساند. در ۶ مرداد ۱۳۶۶ و پیش از جنایت سعودی‌ها در کشتار زائران بیت‌الله‌الحرام، امام خمینی در پیامی تاریخی «برائت از مشرکین» را از ارکان اساسی حج صحیح برشمرده بودند.

نمای از انجام تصاویر رهبران منافقین توسط زندگان اسلام در عملیات مرصاد